

## اژدهای آتشین نفس "انقلاب زنانه خاورمیانه"

### و برگه های جریمه جمهوری اسلامی ایران! ثریا شهابی

این روزها، رویدادهای بشدت متناقضی در حال وقوع است. در حالیکه جهان به چهره، دستان، و تفنگ های دختران و پسران کوبانی که در کنار هم در مقابل یکی از سیاه ترین و آدمکش ترین معجون های تاریخ بشری، داعش، صف بسته اند خیره شده است، جمهوری اسلامی ایران برای عقب راندن زنان در ایران، هر روز با زبانی الکن طرح و برنامه ای را

امتحان میکنند! در حالیکه در سراسر جهان، از خیابانهای فرانسه تا انگلستان و آلمان، از آنکارا و استانبول تا سندج و تهران، هزاران نفر با تظاهرات ها و اعتصاب ها از مقاومت در کوبانی حمایت میکنند، مقاومتی که رنگ زنانه و تساوی طلبانه و مترقی آن جهانی منجر از زن ستیزی و انسان ستیزی را مجذوب و شیفته خود کرده است، درست در همان حال مقامات جمهوری اسلامی هر روز با بیانی مهجور آئیننامه ای برای خانه نشین کردن زنان و عقب راندن آنها از محیط های کار، را امتحان میکنند! در حالیکه کوبانی نماد مقاومت انقلابی، مترقی، آزادیخواهانه و زنانه، در مقابل کثیف ترین دار و دسته جنایی - اسلامی ضد بشر و ضد زن شده است، برای مقابله با توقعات وسیع میلیونی زنان در ایران، از مقام معظم رهبری تا این و آن نماینده مجلس در هئیت حاکمه ایران، هر روز اراجیف و خزعبلات جدیدی در مورد اهمیت رفتار اسلامی، رعایت عفاف و حجاب و نقش زن در خانه و خانواده، تولید میشود. ... صفحه ۲

## ترس جمهوری اسلامی از چیست؟

مظفر محمدی

بدنبال اعتراض، تظاهرات، تحصن و اعتصاب مردان شهرهای کردستان در حمایت از زنان و مردان قهرمان کوبانی، ده ها تن از فعالین سیاسی و مدنی شهرهای کردستان بازداشت شده که هنوز تعدادی از آنها آزاد نشده اند. جمهوری اسلامی مدعی جنگ علیه داعش است. اگر این درست است پس دلیل مخالفت و ترس جمهوری اسلامی از حمایت مردم ایران و کردستان از کوبانی چیست؟

قرق نظامی شهرها، برقراری حکومت نظامی اعلام نشده و بالاخره تعقیب و بازداشت فعالین مردم حامی کوبانی، نشان می دهند که جمهوری اسلامی نه تنها هدفش جنگ علیه داعش نیست، بلکه از هر گونه حمایت از مردم مبارزی که علیه داعش در کوبانی می جنگند ناخوشنود و ناراضی است.

حضور فرمانده قاسم در ستاد مسعود بارزانی نه علیه داعش بلکه یک مانور ریاکارانه و مزورانه است. این همدستان شرمگین داعش و این دشمنان آزادی و انسانیت، بی صبرانه منتظرند کوبانی سقوط کند. ... صفحه ۲

پلنوم سی و دوم  
کمیته مرکزی  
حزب حکمتیست  
(خط رسمی)  
برگزار شد  
صفحه ۴

## گزارش تجمع در مقابل سفارت ترکیه در اسلو در حمایت از مردم کوبانی

تشکیلات نروژ حزب حکمتیست  
(خط رسمی)

تنظیم گزارش: شادی مطیعی /

رویاک مطیعی  
صفحه ۴

## خران لمپنیسم قومی - مذهبی (در حاشیه یک بیانیه)

فواد عبداللهی

در حالیکه کوبانی در محاصره همه جانبه حکام جهان و توحش افسار گسیخته داعش قرار دارد؛ در حالیکه کوبانی در مقابل داعش این فرزند خلف بورژوازی جهان از واشنگتن تا لندن و پاریس و از آنکارا تا تهران و ریاض و دوحه و اربیل، تن به تن و جبهه به جبهه مقاومت می کند؛ در حالیکه بشریت با وجدان و آگاه جهان، این مقاومت را بخشی از هستی و نیستی خود دانسته و در دفاع از آن به اعتراضات و اعتراضات گسترده در سراسر جهان دست می زند؛ در حالیکه بمب افکن های ناتو بر فراز عراق و سوریه، مانور می دهند و تانک های ترکیه و داعش یک هدف را می کوبند؛ در حالیکه عزم و اراده راسخ زنان و مردان کوبانی در دفاع از مدنیت و حرمت انسانی در مقابل همه این جانوران، چنان جهانشمول است که شرافت دنیا را در همبستگی و هم سرنوشتی با خود، خروشانید و همه را به فکر راههای شکستن محاصره کوبانی انداخته؛ و در حالیکه کوبانی راه زیر کشیدن دولتهای مرتجع ملی و میهنی و مقابله با دستجات قومی - مذهبی با تکیه بر سازماندهی توده ای و تسلیح عمومی از پایین را دوباره وارد دستور هر جنبش آزادخواه و مترقی کرده است؛ در این میان، یک باند قومی تحت نام "اتحادیه جوانان غرب آذربایجان" در یک بیانیه بطرز غریبی نقش مار کشیده و به تحریک قومی مردم ارومیه دست زده است. ادعا می کنند که از جان و مال و "ناموس" و "سرزمین اجدادی" مردم در مقابل "دار و دسته ای تروریست" که منطقه را به "آشوب" کشیده اند، حمایت می کنند. و جالب است که در این "تقابل" انگشت اشاره شان، مشخصا بسمت اعتراضات و تجمعات مردم در شهرهای ایران در دفاع از مقاومت زنان و مردان کوبانی نشانه رفته و در اطلاعیه شان دهن دره میکنند که: "با بحرانی شدن منطقه، مافیای سیاسی و رسانه گروه های تروریستی پژاک و پ کا کا شبانه روز تلاش دارند ... صفحه ۳

## ازدهای آتشین ...

در حالیکه تحرک مافیای جنایی "دولت اسلامی عراق و شام"، داعش، این باند مسلح به اسلحه و پول ناتو و دولت های "محترم" متحد غرب، نیرویی که با پرچم "محمد رسول الله" گردن می زند و اسرای زن را برای خرید و فروش روانه بازار میکند، به تخت سینه یک مقاومت مسلحانه مردمی، مترقی و زنانه در کوبانی خورده است، در همان حال مقامات مهجور جمهوری اسلامی ایران، هر روز طرحی برای کنترل زنان در ایران، را امتحان میکنند!

در خاورمیانه دو تحرک ارتجاعی اسلامی - ضد زن در دو موقعیت متناقض، در مقابل جرعه های آتشین یک انقلاب زنانه در خاورمیانه صف بسته اند: یکی داعش است، که در عراق و سوریه با پرچم "محمد رسول الله" هنوز رسماً و علناً گردن میزند و مرعوب میکند و دولت های غربی و متحدین آن، از نیویورک و پاریس و لندن تا آنکارا و اربیل، زیر بغل آن را محکم گرفته اند. داعشی که امروز تنها و تنها با مقاومت و دفاع مسلحانه صفی از زنان و مردان انقلابی در کوبانی، عقب زده میشود.

تحرک دیگر جمهوری اسلامی ایران است، که با پرچم "الله و اکبر" بعد از سی و پنج سال داعش بازی و سرانجام "استقرار" جمهوری اسلامی، دست به کلاه خود، بر سر دوراهی حفظ نظام یا حفظ

اسلامیت خود، دست و پا میزند!

در حالیکه داعش "تازه متولد شده"، هم جنبشی جمهوری اسلامی ایران، در سوریه و عراق، چون روزهای قدرقدرتی حزب الله، هنوز گردن میزند و با پرچم "محمد رسول الله" همان کاری را میکنند که جمهوری اسلامی ایران سی و پنج سال قبل با پرچم "الله و اکبر" در جامعه، و در زندانها با کفار و اسرای زن میکرد، آقایان در تهران و در مجلس هرروز طرحی برای کنترل حجاب کشف میکنند! میخوانید که:

"خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی می گوید ۳۶ نماینده مجلس ایران طرحی آماده کرده اند که بر اساس آن، زنان به گفته این نمایندگان «بدحجاب»، محکوم به شرکت در دوره های آموزشی و جریمه نقدی تا سقف یک میلیون تومان می شوند».

با عروج جنبش مقاومت در کوبانی، جنبشی که در مقابل همه دستجات اوباش و تروریست دولتی ناتو و ترکیه و ایران و عربستان و قطر و سوریه مستقلانه قد علم کرده است، جنبشی که برابری کامل زن و مرد و ضدیت با تحجر پرچم حداقل آن است و اسلام "محمد رسول الله" را در اوج قمه زنی به مصادف مسلحانه و رودر رو طلبیده است، در خاورمیانه ورق برگشته است. با پیوستن هر زن و دختری که در کوبانی در خط مقدم این مقاومت تفنگ بر میدارد، هزاران هزار تیر و موشک به

ارکان حاکمیت خدا و اسلام و زن ستیزی در جهان و در خاورمیانه شلیک میشود. درست در این شرایط، صدور آئیننامه های صدور جریمه برای زنان متخلف و بدحجاب در تهران، از سنگری که بر آن پرچم رنگ و رو رفته "الله و اکبر" جمهوری اسلامی ایران برافراشته است، بیش از آنکه معنی واقعی در زندگی زنان و دختران در ایران داشته باشد، نف سربلایی است بر سر همه نمایندگان مجلس، مقام معظم و شخص رئیس جمهور!

این روزها در ایران، صدور هر حکم مجازات اسلامی، صدور هر حکم شلاق برای کارگر معترض و "زن بدحجاب"، روح دختران مسلح کوبانی را در سراسر ایران برای جنگ با داعش پیر و فرتوت ایران، به حرکت در می آورد.

ازدهای آتشین نفس انقلاب زنانه خاورمیانه، ازدهایی که از کوبانی سربرآورده است، بر فراز سر جمهوری اسلامی، حکومتی که بر سر دوراهی حفظ نظام یا حفظ اسلامیت خود گرفتار است، در پرواز است. دستگاه کشف طرح و آئیننامه و بخشنامه برای اجرای مجازات های اسلامی و عقب راندن زنان در ایران از محیط های کار و جامعه، در این میان تنها و تنها قرار است به آقایان و خانم ها در مجلس و بیت امام و وزارت خانه های مربوطه، در مقابل خطر این ازدها، کمی قوت قلب و اعتماد به نفس دهد.

## ترس جمهوری ...

انها می توانند با داعش بسازند اما ابراز وجود یکپارچه مردم یک شهر از زن و مرد و جوان و پیر برای این جنایتکاران یک کابوس است. کابوسی است که ممکن است فردا در اربیل و سلیمانیه و سنندج و مهاباد و غیره تکرار شود. خشم جمهوری اسلامی از اعتراض مردم به داعش و حمایت از کوبانی در این حقیقت آشکار نهفته است.

جمهوری اسلامی با همه شعبات تروریسم اسلامی از القاعده و طالبان تا حزب الله و داعش و سلفی های داعش وطنی، همجنس و هم پیمان و متحد است. این نظام خود به تنهایی، محل امنیت و اسپایش و رفاه و آزادی و حرمت زن و جوان در سراسر ایران است. ترس جمهوری اسلامی از همین موقعیت نجس با آزادیخواهی و رفاه طلبی و برابری طلبی میلیونی زنان و مردان و جوانان است.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی تاریخا و از بدو حیات ننگینش، با هر گونه صدای آزادیخواهی، انساندوستی و همبستگی مبارزاتی مردم دشمن است. دشمن خونی آزادیخواهی است. یک وجه مبارزه مردم کردستان علیه هر گونه ارتجاع قومی و مذهبی از جمله سلفی گری است و این برای رژیم که تا مغز استخوان کهنه پرست و دشمن هر گونه مدنیت و انسانیت و حرمت زن و آزادی و برابری است، ترسناک است.

تجربه کوبانی و حمایت های بین المللی از مبارزات زنان و مردان این شهر، از طرفی الگویی از مبارزه توده ای و مسلحانه و برگرداندن اختیار و اراده به انسان برای دفاع از خود را به انسانهای جهان امروز داده است و از طرف دیگر زنگ خطری برای بورژوازی و ائتلاف های سیاسی و نظامی شان علیه بشریت و سرکوب جنبش های آزادیخواهانه و منحرف کردنشان، بحساب می آید.

کارگران، مردم زحمتکش و همه آزادیخواهان کردستان ایران، حامیان بیدریغ و بیوقفه و پیگیر زنان و مردان مسلح کوبانی اند و در کنارشان قرار دارند. این مبارزه تعطیل بردار نیست. داعش و داعشیان شرمگین چون جمهوری اسلامی و عربستان سعودی و ترکیه و حامیانشان، زیر ضرب اعتراضات و نفرت میلیونی جهانی قرار دارند. جمهوری اسلامی این فشار را بر کرده خود احساس می کند و آشکارا چنگ و دندان نشان می دهد. اما تداوم کشاندن نظامی ها به خیابان و تعقیب و بازداشت فعالین مردمی علیه کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهانی که به میدان آمده اند، کارساز نیست.

اعتراض و مبارزه و حمایت مردم از کوبانی بهر شکل ممکن از تظاهرات و تحصن و تجمع و اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خواهد یافت.

جمهوری اسلامی باید همه بازداشت شدگان را آزاد کند. باید به همه جهانیان گفت که جمهوری اسلامی در ایران و بخصوص در کردستان جبهه ای به نفع داعش باز کرده است. بی شرمی، دورویی و دروغ جمهوری اسلامی و تظاهرش به جنگ علیه داعش را باید به همگان گفت.

مردم کردستان در مبارزه کوبانی علیه داعش شریک اند. در پیروزی شان شریک اند. مردم کردستان می دانند که هر گام پیشروی داعش بمعنای گسترش این جریان ضد انسانی و توحش اسلامی نه تنها در سوریه و عراق بلکه در ایران و کردستان ایران است. بازداشت و سرکوب و قدر قدرتی نظامی جمهوری اسلامی در خیابان ها، نمی تواند صدای آزادیخواهی را خفه کند. آزادی بیان و تجمع و اعتراض و تظاهرات و تحصن و اعتصاب حق همه شهروندان است. در دفاع از آزادیمان پیگیرانه بکوشیم و نگذاریم جمهوری اسلامی مردم را مرعوب کند.

موج عظیم دفاع از کوبانی و دفاع از آزادی و اختیار انسان، جهان را در بر گرفته است. مبارزه و تلاش مردم آزادیخواه کردستان در حمایت از کوبانی ادامه دارد. همه بازداشت شدگان باید فوراً آزاد شوند و به صف جنبش آزادیخواهی و انساندوستی در خیابانها، مراکز کار، بازار، دانشگاه ها، مدارس و محلات بپیوندند.

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

## خزان لمپنیزم ...

با اعلام تجمعات مختلف به بهانه تصرف شهر کوبانی توسط داعش پروپاگاندای سیاسی به راه انداخته و بازی را به نفع خود تغییر دهند و ... هر جور که دلشان می‌خواهد شهرهای غرب را آزر بیاچان را به آشوب بکشند ...

اگر این فقط یک بیانیه بود شاید صرفاً به خواندنش می‌نشستیم و سر آخر به زوزه هایش می‌خندیدیم. اما از آنجا که سیاست و قدرت در دنیای امروز معانی فوق‌العاده خطرناکی پیدا کرده اند لذا مسئله جدی است، عواقب زمینی برای انسانهای واقعی دارد، حتی اگر این بیانیه و صادر کنندگان آن جدی نباشند. واقعیات تلخ جهان امروز ما همراه با پایان جنگ سرد از کشتارها و پاکسازی های قومی و قبیله ای در رواندا آغاز شد و به بر پا کردن گورهای دسته جمعی و تراشیدن اقوام و باندهای مسلح قومی در کشور صنعتی و اروپایی یوگوسلاوی در مقابل چشمان نابور و بهت زده بر صفحه تلویزیون ها، رسید. سبز شدن انواع جریانات قومی و مذهبی و تروریست، جنگها و نسل کشی های قومی و مذهبی به تباهی کشیدن زندگی میلیونها انسان یکی از اولین نتایج و "دستاوردهای" پیروزی دمکراسی بازار آزاد بوده است. دیروز یوگوسلاوی و افریقا و امروز خاورمیانه صحنه تاخت و تاز انواع باندهای مخلوق دنیای آزاد است. دیروز جبهه میهنی رواندا و ارتش آزادیبخش کوسوو و امروز القاعده و جبهه النصر و داعش! بر بستر چنین اوضاعی است که فاشیستهای "اتحادیه جوانان غرب آذربایجان" جرات قد علم کردن پیدا میکنند. در ایران مدتها است که این باندهای رسماً قوم پرست که صریح و بی پرده شعارهای نفرت و پاکسازی قومی سر می دهند، براه افتاده اند؛ خودشان می گویند که میخواهند داستان کشتار ارمنی ها و ژنوساید کردها در ترکیه و شوروی سابق را در تهران و تبریز و ارومیه تکرار کنند. می گویند که صحنه های شنیع پاکسازی و آواره کردنها و برپائی گورهای دست جمعی سارایوو را در ایران تکرار خواهند کرد. ادامه این نوع رجزخوانی ها در بیانیه ای که چماقداران آن منتظر مهر تایید از جمهوری اسلامی اند، در حقیقت دارند ظرفیت فاشیستی خود را تست می کنند و به رخ می کشند.

مردمی که مهندسی باندهای قوم پرستی چون "جبهه آزادیبخش کوسوو و مقدونیه" را در راستای نظم نوین آقایان دیدند، مردمی که عراق و سوریه را بیخ گوش خود می بینند، جهانی که شاهد دست سازترین نیروهای سیاه تاریخ بشر همچون القاعده و "ارتش آزادیبخش سوریه" و "داعش" و عواقب خونین و جنایتکارانه آنها در راستای جهان چند قطبی عظمی مشاهده کرده اند، با نگرانی چشم انتظار نیروئی بودند که راه مقابله با این خطر جدی را به آنها نشان بدهد. این نیرو هم اکنون

مقاومت و مبارزه جانانه زنان و مردان در کوبانی است. مردمی که نمیخواهند طعمه سناریوی تحرک دستجات قومی و مذهبی شوند و تسلیم شرایط استیصال و یاس شوند، اکنون به نیروی کوبانی چشم دوخته اند. نیروئی جدی که مردم را در محل کار و زندگیشان متشکل کرده و در مقابل دستجات انتحاری و غیر انتحاری قومی و مذهبی، امنیت زندگی و مدنیت آنان را محافظت میکنند. مقاومتی مشروع که از متن زندگی و کار مردم سازمان یافته است. کوبانی تجربه ای است قابل اعتماد و غنی در سازمان دادن مردم و مقابله سیاسی و نظامی با ارتجاع که اتفاقاً در ایران و سایر کشورهای منطقه میتوان بکار بست.

بیانیه طلاب قومپرست آذربایجان در دنیای سیاست علیه صف مبارزه و مقاومت توده ای در برابر رژیم اسلامی سپر انداخته است. اینها همجوار رژیم اسلامی در سرکوب اخیر بیش از ۳۰ تن از فعالین چپ در تهران قرار می گیرند. وهمزمان به پادگانی کردن فضای شهرهای کردستان و دستگیری های وسیع فعالین حمایت از مقاومت کوبانی در چند روز اخیر لیبی می فرستند. بی خود نیست که کنار داعش علیه کوبانی می ایستند. اینها از جنس سلفی های مرتجع کردستان، و از قماش خود داعش اند. امروز، بقاء و قدرت تطبیق اینها در دامن زدن به شکاف و شقاق قومی و مذهبی در جامعه نهفته است. میدانند چگونه میشود پول و حمایت این یا آن دولت را بدست آورد، با بازار اسلحه دست دوم آشنایی دارند و هنر فرقه سازی را یاد گرفته اند. اینها جانورانی اند که میتوانند صد نفر را با تامین رزق شان، با تراشیدن هویت قومی و مذهبی خاص برایشان یا صاف و ساده با ارباب و تحریکشان، دنبال خود بکشند. در خاورمیانه و ایران امروز، ته هر لجنی و زیر هر سنگی یک قوم و یک مذهب دست ساز پیدا میشود. صاحبان این بیانیه ماهیتا باند قومی اند و متعلق به کابوس جنگ داخلی و هرج و مرج در ایران اند. اینها هر چند در سیاست جزو بازیگران فرعی اند و شانس اجتماعی شدن و توده ای شدن ندارند اما اتفاقاً به همین دلیل، مانند خلف خود داعش، در شرایط ویژه می توانند با توپ و خمپاره و بمب به سر و کله مدنیت و شهرنشینی بزنند و خانه و کارخانه و بیمارستان و مدرسه مردم را منفجر و روی سرشان خراب میکنند.

تجربه کوبانی مفت به دست نیامده که بتوان راحت سر آن را با پروکاسیون زیر آب کرد؛ نباید اجازه داد شکاف و تفرقه قومی منفذی در این جبهه مقاومت پیدا کند. آنها که پشت آن بیانیه قایم شده اند خلف سربازهای ناتانیاهاو در فلسطین اند؛ خلف پیشمرگه های بارزانی در کردستان عراق اند که شنگال را در یک چشمبندی بر سر نفت کرکوک تحویل داعش داد و خاکش را به توپره کشیدند؛ پاییز بارزانی ها و سلفی ها و پان

ترکیست ها و مهتدی ها در عراق و ایران، فرا رسیده است؛ آنگاه که مبارزه و مقاومت توده ای علیه داعش خارجی به مبارزه علیه جمهوری اسلامی شیفست کند، اینها فعال تر خواهند شد. و ضمن اینکه با برادران انصار دوستان گرمابه گلستان هم می شوند، در راس سرکوب کارگر و زن و آزادیخواهی و برابری طلبی آن جامعه قرار خواهند گرفت.

باید کوس رسوایی این باندها را زد. نه! هیچکس و هیچ جریانی حق ندارد که جنبش مقاومت علیه ارتجاع را "تروریست" بخواند! جای، جای این مقاومت در کانتون های کوبانی، تاریخ نانوشته مبارزانی است که به وحشیانه ترین تهاجم سرمایه داری در تاریخ معاصر تو دهنی زده اند. کمتر جامعه ای طی تاریخ معاصر، چنین پیروزمندانه، رو در رو علیه توحشی که تجربه کرده، رقصیده باشد. هیچ مهاجمی در این صف مقاومت، آرمان خود را وسیله غارت و چپاول نکرده و هیچ مهاجمی این چنین اقبال و تقدسی نیافته. این ویژگی جنبش مقاومت در کوبانی است که دست ارتجاع را رو میکند. سالهاست که جنایت و خیانت قومی ها و مذهبی ها در خاورمیانه تحمیل و تحمل شده؛ اکنون، هنگام ثبت جانفشانی و مقاومت توده ای زنان و مردان این خطه علیه ارتجاع است.

با لمپنیسم قومی سازی در کار نیست؛ هر آنکس که نمیخواهد بیش از این سرنوشت خود و هموعانش را قربانی هژمونی گانگسترهای قومی - مذهبی کند باید به صف آزادیخواهی و دفاع از مساوات طلبی بپیوندد. آدم آوانگارد، آدم برابری طلب در جامعه کم نیست. آذربایجان کم آدم چپ و کمونیست ندارد؛ کنار گوش اوباش قومی، دانشجویان دانشگاه تبریز در حمایت از مقاومت کوبانی علیه ارتجاع اعلام اعتصاب کردند؛ آزادی و برابری را بار دیگر پرچم اعتراض به وضع موجود کردند. فضا امروز به همت مقاومت توده ای در کوبانی علیه ارتجاع به نفع جبهه انسانیت و آزادیخواهی شیفست کرده است؛ هر نیرویی که امروز به مقابله با کنترلهای قومی - مذهبی بر خیزد دفاالت مقاومت توده ای را به نفع خود عوض خواهد کرد؛ امروز روز تعرض طبقه کارگر و سازماندهی کمونیست ها است؛ روز تعرض آزادیخواهی به ارتجاع در هر شکل حکومتی و غیر حکومتی؛ ظرفیت جبهه چپ و آزادیخواهی در ایران این کنترلهای قومی - مذهبی را لگام خواهد زد. کسی اجازه ندارد اعتبار نامه اش را از ارتجاع داعش بگیرد. این را کمونیست ها تضمین خواهند کرد. سوسیالیست هایی که مبشر برابری انسانها فارغ از هویت های کاذب جنسی، مذهبی و قومی اند؛ آنان که با متحد کردن طبقه کارگر و مردم آزادیخواه بساط جریانات انگلی و حاشیه ای را جمع خواهند کرد و حسابشان را کف دستشان خواهند گذاشت.

نه هویت قومی! نه هویت مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

## پلنوم سی و دوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) برگزار شد

بدنبال اعضا کمیته مرکزی به مسائل اصلی که در مقابل حزب حکمتیست وجود دارد، به توقعاتی که کارگر و کمونیست در آن جامعه از این حزب دارد و به اصلی ترین میدانهایی که باید بر آن انرژی گذاشت چه در ابعاد سراسری و چه عرصه های مشخص فعالیت حزب در کردستان پرداختند.

پلنوم کمیته مرکزی معنی کردن جهت های پلنوم و عرصه های اصلی کار حزب و تبدیل آن نقشه ای برای پراتیک و سازمان دادن آنرا به کمیته رهبری حزب سپرد.

در بخش انتخابات پلنوم به اتفاق آرا آذر مدرسی را به عنوان دبیر کمیته مرکزی و امان کفا بعنوان معاون دبیر کمیته مرکزی در پست خود ابقا کرد. پلنوم همچنین رفقا امان کفا، ثریا شهابی، فواد عبداللهی و خالد حاج محمدی را همراه با دبیر کمیته مرکزی به عنوان کمیته رهبری حزب در پست خود ابقا کرد.

لازم به ذکر است که در جوار پلنوم سمیناری بر سر اوضاع کردستان ایران برگزار شد. بحث این سمینار توسط رفقا مظفر محمدی و محمد راستی ارائه شد. مضمون مباحثات رفقا اساسا به تحولات منطقه، جنگ داعش در عراق و مشخصا کردستان عراق و سوریه، تاثیرات آن بر کردستان ایران و همزمان موقعیت کنونی حزب حکمتیست در کردستان ایران همراه با گزارشی از کار حزب در کردستان ایران بود. در این سمینار اعضا کمیته مرکزی دخالتی فعال داشتند و کل مباحثات این سمینار کمک زیادی به رهبری حزب کرد تا نقشه آتی کار حزب در کردستان و دفتر کردستان حزب را بر اساس موجودیت حزب و امکانات خوبی که حزب از آن برخوردار است را تدقیق کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
(خط رسمی) ۵ اکتبر ۲۰۱۴

دبیران کمیته های اصلی هم در تکمیل گزارش و همه در ادامه آن به بررسی کار این دوره پرداختند. اعضا پلنوم ضمن رضایت از کار رهبری حزب در این دوره بر مشکلات و موانع کار ما و همزمان بر کاستیهای کار حزب پرداختند.

دستور دوم پلنوم بحث اوضاع سیاسی ایران بود که توسط ثریا شهابی ارائه شد. ثریا شهابی در این بحث ضمن اشاره به تحولات منطقه، به آخرین تحولات در جامعه ایران و رابطه مردم عموما و مشخصا طبقه کارگر و جمهوری اسلامی و فاکتورهای اصلی دخیل در توازن قوای کنونی پرداخت. اعضا کمیته مرکزی با دخالت فعال خود به مؤلفه های اصلی اوضاع ایران در متن تحولات منطقه اشاره کردند. اعضا پلنوم عموما تاکید کردند دوره کنونی دوره پایان یافتن توهمات توده طبقه کارگر به بهبودی در زندگی خود در اثر پیشرفت رابطه جمهوری اسلامی و غرب و همزمان پیشرفت سیاستهای اقتصادی و سیاسی دولت اعتدال است. پلنوم کمیته مرکزی بر اهمیت دخالتگری عملی کمونیستی در این اوضاع تاکید کردند.

بحث اولویتهای حزب و حزب در کردستان به ترتیب توسط رفقا امان کفا و خالد حاج محمدی ارائه شد. امان کفا در بحث اولویتها به عرصه های اصلی کار حزب و جنگهای اصلی که باید حزب حکمتیست با توجه به همه امکانات و توانایی خود دارد پیش برد پرداخت. بدنبال خالد حاج محمدی به کار حزب در کردستان در متن اوضاع منطقه و همزمان عطف توجه به حزب در کردستان و عرصه های اصلی کار حزب و ضرورت جوابی جدی به آن پرداخت.

پلنوم سی و دوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی برگزار شد. پلنوم بعد از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم با تصویب آئین نامه و تعیین دستورات خود کارش را شروع کرد.

دستورات پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از:

- ۱- گزارش
- ۲- اوضاع سیاسی ایران
- ۳- اولویتهای حزب حکمتیست
- ۴- حزب در کردستان
- ۵- انتخابات

گزارش کار حزب در این دوره توسط دبیر کمیته مرکزی به اطلاع پلنوم رسید. آذر مدرسی در گزارش خود ضمن اشاره به تحولات منطقه، به موقعیت جمهوری اسلامی و رابطه مردم با آن و به شرایطی که حزب در آن قرار داشت، فعالیت حزب در عرصه های مختلف را به اطلاع پلنوم رساند. دبیر کمیته مرکزی همزمان بر پیشرفتهای این دوره حزب و عطف توجه در ایران به حزب و موقعیت کنونی حزب در داخل ایران، پیشرفتهای در کار حزب در کردستان و سایر عرصه های فعالیت حزب پرداخت. او همزمان به کاستیهای کار و فعالیت این دوره و توقعاتی که از حزب و بویژه رهبری آن می رود و به نقش کمیته مرکزی در حیات سیاسی حزب و کمبودهای حزب در این زمینه اشاره کرد. بعد از دبیر کمیته مرکزی اعضا کمیته رهبری و بدنبال اعضا کمیته مرکزی و

## گزارش تجمع در مقابل سفارت ترکیه در اسلو در حمایت از مردم کوبانی تشکیلات نروژ حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز ۸ اکتبر ۲۰۱۴ به فراخوان حزب کمونیست کارگری کردستان در ساعت ده و نیم تجمعی اعتراضی در حمایت از مردم کوبانی در مقابل سفارت ترکیه سازمان داده شد. ما اعضا تشکیلات نروژ حزب حکمتیست (خط رسمی) و جمعی از آزادی خواهان در این تجمع شرکت داشتیم. به این مناسبت دهها نفر از کمونیستها و آزادیخواهان

حامی داعش، اعتراض خود را اعلام کردند و دولت ترکیه به دلیل حمایت از داعش محکوم کردند. محلی که پلیس برای برگزاری تجمع تعیین کرده بود پیاده روی بسیار باریکی روبروی سفارت ترکیه بود که توسط تعداد زیادی از پلیس محاصره شده بود و به شرکت کنندگان اجازه ی حرکت از جای خود را نمی دادند. به طوری که به ما که برای گرفتن عکس کمتر از دو متر از محل تعیین شده دور شده بودم به شدت برخورد کردند.

تنظیم گزارش: شادی مطیعی - روپاک مطیعی

**سازمان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تماس با حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

در اسلو در مقابل سفارت ترکیه تجمع داشتیم تا حمایت خود را از مردم کوبانی و همه مردمی که در معرض تعرض بی رحمانه داعش و ارتجاع اسلامی هستند اعلام کنیم و انزجار خود را از دولتها و قدرتهای خالق و حامی داعش در کشورها و شهرهای مختلف جهان نشان دهیم. ما در این مناسبت تراکت هایی که حاوی این شعارها به زبان انگلیسی بود را پخش کردیم:

آموزش و تجهیز شورشیان در خاورمیانه را متوقف کنید - پنهان کردن واقعیت ها را در رسانه ها متوقف کنید - آمریکا و متحدانش داعش را تامین و مسلح کردند

در این تجمع شرکت کنندگان با شعارهایی از قبیل مرگ بر داعش، زنده باد مردم کوبانی، مرگ بر حکومت فاشیستی ترکیه، ومرگ بر دولتهای

کارگران جهان متحد شوید!